

کمونست ۵

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

شماره ۵ - ۱۰ مهر ۱۳۸۳ - ۱۱ اکتبر ۲۰۰۴

سردبیر: کورش مدرسی جمعه ها منتشر میشود www.komonist.com



صفحه ۲

کورش مدرسی

پیام به مردم ایران

نه الله، نه اهورا!

ملیت خدا مساله ما نیست!

فریب نخورید!

با چشم باز انتخاب کنید!

بیانیه

تشکیل "سازمان سراسری پناهندگان ایرانی"

صفحه ۵



fateh_sh@yahoo.com

تحرك دلگي راست

و درسهای آن برای چپ

فاتح شیخ

از مصاحبه رادیو پرتو با مظفر محمدی

در باره با رویدادهای اخیر ایران

mozafar_mohammadi@yahoo.com



مظفر محمدی: این یک شو مضحک است. منتهی به نظر من سیاست پشت آن جدی است. این اتفاقات بر یک زمینه واقعی رخ میدهند. امروز دیگر هر ناظر بیطرفی هم این را میپذیرد که مردم دنبال بهانه و فرصت اند. بهر وسیله شده باید به این رژیم ضربه زد. بهر بهانه باید این رژیم را زد و اگر بشود در یکی از همین زدوخوردها آن را بزیر کشید باید این کار را

رادیو پرتو: گفته میشود که تجمع صدها تن در جلو دانشگاه تهران به فراخوان شبکه های تلویزیونی معروف به اپوزیسیون سلطنت طلب بوده است. این تجمع و داستان پشت سر آن مبنی بر پیشگوییهای شخصی بنام حق خواه به نظر بسیاری غیر جدی به نظر میرسد، اما انگار کم کم دارد رنگ و بوی جدی به خود میگیرد. شما مسئله این فراخوان و مسائل حول و حوش آن را چگونه میبینید؟

ظهور یک امام اهورایی در نقش ناجی جامعه از شر جمهوری اسلامی، به اندازه خود جمهوری اسلامی نفرت انگیز است. این احساس اولیه هر انسان آزادیخواه در قبال فراخوان شارلاتانی به نام "هخا" برای خیزش و قیام در روز تولد امام زمان است! تا اینجا هیچ فرد دارای عقل سلیمی نیاز به هیچ تحلیلی ندارد. اما واقعیت اینست که عوامفریبی تلویزیونی دکتر اهورا، جمعیتی را به وجد آورده و به خیابان کشانده است. این تاسف آور هست ولی جای تعجب نیست.

ارتجاع اسلامی نه فقط مستقیماً بلکه بطور غیرمستقیم و از راه میدان دادن به ارتجاعهای دیگری در

بقیه در صفحه ۳

کرد. مردم میخواهند هر طور شده از شر این رژیم خلاص شوند. این جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی است. اما برخورد گرایشات و احزاب سیاسی از چپ و راست به این جنبش و به این خواست و آرزوهای مردم کاملاً متفاوت است. ... ماجرای اهورا در

بقیه در صفحه ۴

دنیائی کار در مقابل ماست!

سخنرانی اختتامیه در پلنوم اول

کورش مدرسی

صفحه ۷

کودکان عراق!

قربانیان تروریسم

صفحه ۲

برنامه عمل تشکیلات کردستان

مصوب کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

(مراحل و محورهای کار ما)

صفحه ۸

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

کودکان عراق قربانی تروریسم کور

تعداد زیادی زخمی بر جای ماند. با این جنایت، رقم جدیدی بر آمار کشتارهای وسیع که تروریسم کور و سیاه از کودکان و مردم بی‌دفاع عراق گرفته، افزوده شد.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست کشتار وحشیانه این کودکان را قویا محکوم می‌کند. عمیقا در اندوه مردم عراق و بستگان و بازماندگان قربانیان این جنایت تکان دهنده شریک است. ادامه حضور نظامی دولت آمریکا و متحدینش در عراق، تداوم تروریسم اسلامی و میداننداری گروههای قومی و مذهبی مدنیت جامعه و حیات شهروندان عراق را با خطر از هم پاشیدگی کامل و تعلیق زندگی معمولی روبرو کرده است. به این وضعیت باید خاتمه داد. حزب کمونیست کارگری عراق تنها نور امید جامعه عراق با سیاستها و پراتیک انقلابی و انسانی برای احیای اراده مردم عراق و به میدان کشیدن آنها برای پایان دادن به این سناریوی سیاه مجدانه تلاش میکنند. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست در این مبارزه در کنار مردم عراق و حزب کمونیست کارگری عراق ایستاده است.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

به

حکمتیست ها

بپیوندید!

عراق به میدان مسابقه آدمکشی دو قطب تروریستی، تروریسم دولتی آمریکا و تروریسم اسلامی تبدیل شده است. اینها جنگ و نامنی و بیکاری و گرسنگی و کشتار هر روزه را به نرم زندگی مردم عراق تبدیل کرده اند. هر روز دهها نفر از شهروندان بی‌دفاع و بیگناه در بغداد و دیگر شهرهای عراق بر اثر عملیات این دو قطب تروریستی کشته میشوند. هواپیماهای جنگی دولت آمریکا زنان و مردان و کودکان را در فلوجه و دیگر نقاط عراق هدف بمبهای خود قرار میدهند. تروریستهای اسلامی نیز با عملیات انتحاری خود مردم بی دفاعی را که بدنبال تأمین معیشت روزانه اجبارا از خانه های خود خارج میشوند لت و پار میکنند. هر روز بر وخامت اوضاع و بر نگرانی و استیصال مردم افزوده میشود، هر روز که میگردد آینده این مردم از روز قبل تیره و تارتر میگردد. این وضعیت محصول حمله نظامی دولت آمریکا به عراق و محصول مسابقه کشتاری است که این دو قطب تروریستی به مردم منطقه و جهان تحمیل کرده اند.

تازه ترین قربانی تروریسم کور امروز ۳۰ سپتامبر در شهر بغداد کودکانند. جنایتی سهمگین و تکان دهنده که قلب هر انسانی میفشارد، به وقوع پیوست. در لحظه ای کوتاه ۴۰ نونهال، چهل کودک برپر شدند. و

پیام به مردم ایران نه الله، نه اهورا؛ ملیت خدا مساله ما نیست! فریب نخورید!

با چشم باز انتخاب کنید!

کوروش مدرسی

مردم آزادیخواه!

فراخوانی که با نام "اهورا یزدی" برای اعتراض به جمهوری اسلامی داده شده است، صرف نظر از جنبه مسخره آن، در فضائی که همه به دنبال محملی برای جمع شدن، برای اعتراض به جمهوری اسلامی هستند منجر به تظاهرات هائی در چند شهر در ایران شده است.

فراخوان امثال "اهورا" به مردم ایران نباید پاسخ مثبت بگیرد. مردم ایران نه حکومت "الله" را میخواهند و نه حکومت "اهورا" را. مردم ایران نه "عدل اسلامی" بدریشان میخورند و نه "عدل هخا". نفرت از جمهوری اسلامی و آرزوی سرنگونی آن یک خواست همگانی است و تلاش برای نجات از تباهی اسلامی یک تلاش همگانی. همه، به حق، تلاش دارند که از هر مفری برای تضعیف این رژیم و سرنگون کردن آن استفاده کنند. اما باید هوشیار بود.

جریانی که آقای اهورا راه انداخته است پرچم افراطی ترین جریان ناسیونالیست ایرانی است. پرچم نژادپرستی و فاشیسم ایرانی است. باید به این پرچم "نه" گفت. اینها مخالف دخالت مذهب در حکومت نیستند. بجای حکومت الله، حکومت اهورا را میخواهند. اینها طرفدار برابری انسانها نیستند. "نژاد" ایرانی

اول و آخر فلسفه وجودیشان است. انسان مبنای فلسفه سیاسی آنها نیست. نژاد برست هستند. اینها نیروئی هستند که برای افتادن به جان مردم منتظر سرنگونی جمهوری اسلامی خواهند نشست. با راه انداختن دارو دسته های فاشیست زندگی مردم را به تباهی خواهند کشید.

مردم!

جمهوری اسلامی باید برود. این حکم جنبش نجات از دست دخالت خدا در زندگی مردم است. اینکه خدا اهل کجاست و نژاد و ملیت چیست مساله ما نیست. جنبش ما جنبش برابری انسانها است. نژاد، ملیت، جنسیت، وغیره مبنا نیست. جنبش ما جنبش حقوق جهانشمول انسان است. این حکم همه انسانهایی است که برای آزادی، برای برابری و برای تحقق یک زندگی سعادتمند انسانی به میدان آمده اند. این خواست هر زن، خواست هر جوان، خواست هر انسانی است که امروز از حکومت اسلامی به تنگ آمده است.

اگر جمهوری اسلامی مانده است یک دلیل مهم آن عدم اتحاد در میان مردم است. ادامه حیات نکبت اسلامی محصول پراکندگی مردم است. اما وحدت مردم وحدت حول یک پرچم روشن و انسانی است. امروز باید این پرچم را انتخاب کرد. امثال آقای اهورا مردم را

به جمع شدن دور یک پرچم ضد انسانی دیگر فرا میخوانند. نا دیده گرفتن این واقعیت و افتادن به دام این توهم که دور هر شیطنی برای سرنگونی جمهوری اسلامی میشود جمع شد، اشتباهی مهلک است. آپارتاید جنسی را با آپاریاید نژادی و استثمار و بردگی مزدی اسلامی را با استثمار و بردگی مزدی اهورائی نباید جایگزین کرد. مردم شایسته آینده بهتری هستند.

مردم ایران آزادی میخواهند، همین را باید بگویند، مردم ایران میخواهند، همین را باید بگویند، مردم ایران جمهوری اسلامی را نمیخواهند همین را باید بگویند. این پرچم کمونیسم کارگری؛ پرچم حزب حکمتیست است.

این پرچمی است که میتواند جنبش رهائی و برابری انسان را به پیروزی برساند. فریب نخورید! با چشم باز انتخاب کنید! باید دور این پرچم متحد شد!

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

کوروش مدرسی

۷ مهر ۱۳۸۳



بقیه از صفحه ۱

تا آنجا که به مردم بر میگردد، همه خبرها حاکی است که برای اکثریت مردم ایران، ظهور این امام زمان اهورایی مایه تفریح و مزاح و مسخره بوده است.

اما واقعیت تلخ تر و تاسفبارتر از کوه نظری تعدادی از مردم که به فراخوان "دکتر اهورا" به خیابان آمدند، موضعگیری بعضی جریانات چپ در این ماجرا بود. ظاهرا یک بار دیگر پوپولیسم راست و چپ عملا در یک مسیر افتاده اند. جریانات چپ (از جمله متاسفانه رهبری حزب کمونیست کارگری ایران)، دقیقا از هول حلیم پوپولیسم و هیروتی گریشان، در

دیک عوامفریبی دکتر اهورا افتادند و دم گرفتند که گویا "دور جدید اعتراضات توده ای" شروع شده است! یکباره رقم جمعیت را به "دهها هزار" نفر رساندند و خود از غلو خویش به وجد آمدند! ذره ای به روی خود نیاوردند که این جمعیت به فراخوان چه جریانی و با چه اهداف و افق و شعارهایی به میدان آمده بودند، صورتشان را با شعاری درباره سوسیالیسم که البته در هر تجمعی ممکن است داده شود، سرخ نگاه داشتند و به این ترتیب این چپ مستاصل منتظرالظهور باز با پوپولیسم شان خودفریبی و عوامفریبی کردند. این دوستان حتی به خود زحمت ندادند که ظهور خمینی، ربوده

شدن انقلاب توده ها در سال ۵۷ و تاسوعا و عاشورای آنسال خیابانهای تهران را به یاد بیاورند و قبل از اینکه ساده لوحانه از آمدن توده ها به زیر پرچم "هخا"!! به وجد بیایند، دو بار فکر کنند. این به مراتب زیانبارتر از شرکت یک جمعیت فریب خورده در تظاهرات فراخوانده "هخا" بود. این چپ متاسفانه در فریب توده ها به نفع راست شریک شد.

دلک بازی امام زمان اهورایی اگر برای اکثر مردم موجب مزاح و تفریح چند روزه ای شد، برای چپ هم میتواند درس مهمی در بر داشته باشد: در یک کلام اینکه در غیاب یک رهبری قوی، روشن بین، شجاع و

قاطع کمونیستی در جامعه، هر دلک دست راستی نمیتواند با عوامفریبی تمرین رهبری کند و اگر خود هم به جایی نرسد و مانند "هخا" روز قبل از ظهور موعودش مشت خود را باز کند، باز توجه ها را به سوی خود و جریانات ارتجاعی پشت سرش جلب کند، جامعه را به راست، به عقب، به قهقرا و به اغتشاش فکری بچرخاند و کار چپ را برای رهبری مبارزه مردم علیه جمهوری اسلامی و ارتجاع بورژوازی دشوارتر کند. اگر چپ پوپولیست به خاطر داشتن لولای مشترک با راست پوپولیست متوجه این حقیقت نیست (همچنانکه بخاطر وجه مشترک پوپولیستی ملی - اسلامی اش با اسلام

سیاسی در سال ۵۷ به چنان نتایج فاجعه باری برای خود و جامعه میدان داد)، این وظیفه کمونیستهای کارگری، وظیفه حکمتیستهاست که صریح و روشن، راست را رسوا کنند و بی تعارف به توده ها هشدار دهند که فریب نخورند و به چنین فراخوانهای ارتجاعی ای پاسخ رد بدهند. نباید گذاشت جنبش اعتراضی مردم حتی یک قدم زیر پرچم راست و ناسیونالیسم و فاشیسم آریایی و اهورایی راه برود. این موضع شفاف و محکم، میتواند به چپ ساده نگر هم کمک کند که از خواب خرگوشی پوپولیستی بپرد و در حاشیه همسرایان عوامفریبی "هخا" ها نی لیک ننوازد.

بقیه از صفحه ۸

درگیر در مبارزات اجتماعی.

- نقش مهم رهبران و فعالین در محل: جذب رهبران و فعالین صاحب اسم و رسم و هویت واقعی درگیر در مبارزات جاری و تحولات اجتماعی. مشخصا جذب فعالین کارگری با اتوریته.

- شورای کادرهای تشکیلات کردستان: بکار گرفتن کل انرژی شورای کادرها تشکیلات کردستان در فعالیتهای متنوع سیاسی، تشکیلاتی، نظامی، و مالی حزب در کردستان، کادرهایی با تجارب غنی از دو دهه مبارزات سیاسی و اجتماعی که سریعاً میتوانند تاثیر گذار باشند.

- تلویزیون و رادیو: با بکار افتادن امکانات رادیویی و تلویزیونی حزب، کمیته کردستان به عنوان ابزارهای مهم در دسترس قرار دادن رهبری و شخصیتهای حزب در کردستان باید از

آنها استفاده کند. و در فکر تامین امکانات مالی و فنی آن بود.

- نشریه اکتبر: بکارگرفتن نشریه اکتبر به عنوان نشریه جذاب، ابزار هدایت و سازمانگری. انتشار جزوات، ماتریال کتبی و صوتی و تصویری

- سایت کمیته و سایتهای فردی شخصیتهای حزب در کردستان

- لانس کردن هدفمند رهبری حزب و شخصیتهای شناخته شده حزب در کردستان. ارسال پوستر و سی دی تصویری و غیره از آنها

توضیح - اقدامات فوری و عاجل مطابق با اولویتهای این مرحله به عنوان سند داخلی کمیته کردستان تهیه شده است.

۲- مرحله دوم: جابجایی عملی قدرت، پروسه برچیدن جمهوری اسلامی از شهرهای کردستان فلج شدن

جمهوری اسلامی در بعد سراسری ایران، موقعیت جدیدی را در کردستان به وجود میآورد. در شرایطی که توانایی عملی جمهوری اسلامی در کنترل اوضاع بیشتر کاهش یابد، به نحوی که کارش به حکومت نظامی و آماده باشها و اوضاع اضطراری برسد، دوره اتفاقات مهم با دخالت فعال خود ما در کردستان فرا میرسد. از جمله:

- جنبش اعتراضی و مردم برای برچیدن جمهوری اسلامی و کنترل اوضاع خیز بر میدارند.

- دخالت احزاب سیاسی و مسلح برای سهم بری از قدرت و تعیین تکلیف قدرت وارد دوره جدیدی میشود. - توطئه ها و بند و بستهای جمهوری اسلامی و ارتجاع محلی و احزاب ناسیونالیست علیه اراده مردم شروع میشود. در ایندوره با اتکا به قدرت عملی و اجتماعی و نظامی حزب و به میدان کشیدن مردم، برای کسب قدرت و

خنثی کردن توطئه های ارتجاعی باید دست بکار شد. در این رابطه محورهای اصلی کار ما چنین است: الف - حزب کمونیست کارگری علنی، اجتماعی و نظامی و سازمانی در شهرهای کردستان ابراز وجود میکند. رهبران و شخصیتهای با اتوریته در داخل مستقر میشوند. ب- با به میدان کشیدن جنبش اعتراضی کارگران، زنان و جوانان و مردم، جمهوری اسلامی را در تنگنا قرار داد. ج- ابتکار اجتماعی کنترل محلات و شهر و هر جایی را که بتوان در دستور گذاشت. سازمان توده ای حزب را در هر جا که ممکن است، مستقر کرد. د- ایجاد کمیته های حزبی در کارخانه و مراکز کار و محلات و در سطوح مختلف را میتوان در دستور گذاشت.

ه- مجامع عمومی و شورا و دیگر سازمانهای توده ای رادیکال را گسترش داد. و- خنثی کردن توطئه ها و بند و

بسته های احزاب ناسیونالیست و جمهوری اسلامی. داشتن سیاست و تاکتیکهای روشن در تناسب قوای مختلف در مقابل احزاب سیاسی مختلف. یک بخش مهم کار در این دوره تلاش برای متعهد کردن احزاب به مفاد منشور آزادیهای سیاسی است.

۳- مرحله نهایی: پایان حاکمیت جمهوری اسلامی و به دست گرفتن حاکمیت در کردستان - در این مرحله به دست گرفتن ابتکار عمل برچیدن جمهوری اسلامی یک سیاست محوری است. بر این اساس در هم آمیختن قدرت جنبش اعتراضی مردم و قدرت سیاسی و نظامی حزب برای یکسره کردن کار جمهوری اسلامی، و پایان دادن به حاکمیت آن، جایگاه تعیین کننده دارد. - با تصرف قدرت، هر جا حاکمیت جمهوری اسلامی برچیده میشود، حاکمیت را به دست

بقیه از صفحه ۱

چارچوب مجموعه اپوزیسیون راست میگذرد.

ظاهر این مساله را نگاه میکنی یک جوک و یا حد اکثر یک شارلاتانیسم سیاسی است. بابایی آمده از آن سر دنیا و تا حالا هم کسی نمیشناسدش و شایع میکند که تا فلان روز رژیم میفتد و جنابش با چند هواپیما در تهران پیاده میشوند و حتما خون از دماغ کسی هم نمایند! ... پیام به ظاهر خنده دار این است که مردم، آمریکا میآید، ارتش با ما است، بسیجی تو هم بیا، بنا بر این در یک هماهنگی ارتش و اهورا و امریکا کار رژیم ساخته است. تازه طوری وانمود میشود که دم پاسدار و حزب الهی و بسیج را هم دیده‌اند و آنها هم میآیند، پس مردم نترسید، به خیابان بیاید.

این سناریویی است که بر دروغ و شارلاتانیسم استوار است و در نهایت ممکن است در میان معدودی مردم هم توهم و انتظاری بوجود بیاورد، حتی اگر تعداد متوهمین و منتظرین تشریف فرمایی اهورا و امریکا و لشکر موهومش به ۲۰۰ نفر هم نرسد، این توهم جدی است. اما اگر به دنبال شایعاتی اینچنین در افکار عمومی مردم مشغله ای ولو برای لحظاتی هم بوجود آمده باشد، جنبش سرنگونی ضرر میکند.

مردم هم دوستانشان را دارند و هم دشمنانشان را. اینها دشمنان مردمند. اینها به مبارزه سراسر است و رودررو و حق طلبانه و میزنند. اینها در روند کار و مبارزه رهبران و فعالین جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی در میان کارگران، زنان، جوانان و

توده مردم اخلاص میکنند.

رادیو پرتو: واقعیت مهمی در اوضاع سیاسی ایران مورد توجه قرار میگیرد که در همین دو سه روز گذشته در نظر بگیرید، چیزی که بر سرش شوخی میکردند تبدیل به یک موضوع جدی شده. رسانه ها در مورد آن صحبت میکنند و چشم اندازهای مختلفی در مقابلش باز میشود. و مردم عطف توجه نشان میدهند. نقش رسانه ها را در سمت و سو دادن به این ماجراها چگونه میبینید؟

مظفر محمدی: به نظرم رسانه ها نقش مهمی دارند. بعضیهایشان میگویند سیاسی هستند، بعضیهایشان از آن نان میخورند. خلیلهایشان شایعات را باد میزنند، واقعیت را نمیگویند. دلیلش هم اینست که اوضاع در ایران و وضع رژیم درب و داغان است، مردم منتظرند، طبعاً مبارزه مردم هم پراکنده است رهبری جمع و جور و حاضر و آماده در محل بخصوص در جناح چپ و در جناح کمونیستی اش هنوز آماده نیست هنوز رهبران و فعالین جنبشهای اجتماعی تثبیت نشده اند، آنطوریکه لازم است جنبش را محکم در دستشان نیست. بر این اساس شایعات و خرافاتی تحت عنوان "راه میان بر و کم هزینه" و "تغییر ارزان قیمت رژیم اسلامی ایران از طریق فرامین ماهواره ها و تبلیغات" و اینجور چیزها، جا پیدا میکنند. ... اگر گوش شنوایی برای این تبلیغات بی مایه پیدا میشود، دلیلش را باید در جای دیگری یافت.

رادیو پرتو: من از صحبتی که قبل از مصاحبه با شما داشتم به خاطر میاورم که شما گفتید این سیاستها سم اند اما آیا همین چیزها در فضای سیاسی که ما میگوییم نمیتوانند جو اعتراضی را دامن بزنند یا در حاشیه این آیا نمیتواند اعتراضات جدی تری شکل بگیرد؟

مظفر محمدی: اعتراضات جدی تر وجود دارند. در کارخانه ها اعتصاب هست، پرستاران میخواهند اعتصاب کنند، معلمان در همان روز همزمان جلو مجلس بودند و خیابان را بستند و همین الان که من دارم با شما حرف میزنم دوباره معلمان جلو مجلس تجمع کرده اند. جنبش زنان دارد متشکل میشود. ان جی او های وسیعی درست شده اند، جوانان در محافل و گروهها و جمعها و حتی نهادهای معینی دارند متشکل میشوند. و اینها جنبشهای چپ اند، ما شاهد شعار آزادی برابر بر سر درب دانشگاه تهران بودیم اینها به نظرم نقطه امیدند. کسانی که میخواهند مردم را به انتظار امریکا و اهورا و غیره نگه دارند و یا حتی به امید آنها و به امید آشتی و برادری ارتش و بسیج و غیره به خیابان بکشاند از ما نیستند، دوستان مردم نیستند. این سیاست نباید در جنبش ما برای آزادی و برابری و سرنگونی رژیم جایی داشته باشد. پشت این سیاست و عواقب آن سناریوی سیاهی است که هم اکنون در عراق جریان دارد، سناریویی که ما با تمام قوا میکوشیم از وقوع آن توسط باند سیاهیها، کودتا چیهها، ناسیونالیستهای گوناگون

و فدرالیستها و غیره جلوگیری کنیم. به نظرم اینها میکوشند بر جنبشها و حرکات اعتراضی برحق مردم سوار شوند، سوار هنوز انسجام و رهبری منسجم خودش را ندارد و بطرف پاشاندن شیرازه مدنیت جامعه ببرند. هدف اینها حتی اگر سرنگونی رژیم هم باشد، اما آزادی، برابری و رفاه و سعادت و مدنیت نیست. اهوراها عناصر ولو کوچک سناریوی سیاهند.

رادیو پرتو: در حاشیه این مسئله نکات اساسی و مهمی مطرح میشود، خواه ناخواه مسئله رهبری جنبش اعتراضی، مسئله آمادگی اینها، مسئله شعارهایی که باید در دست بگیرند، مسئله سیاستهایی که باید در پیش بگیرند. در پرتو اینجور حرکتها شما چقدر حاضرید که به این مباحثات بها بدهید و به آن بپردازید؟

مظفر محمدی: قطعاً باید به این مسئله پرداخت. ببینید، کار سازماندهی اعتراض و مبارزه مردم کار ما است. سمت و سو دادن به جنبش اعتراضی مردم، به نفرت مردم علیه جمهوری اسلامی، به "نه" مردم به جمهوری اسلامی کار ما است. ممکن است در یک تظاهرات چند هزار نفری در تهران در یک رفت و برگشت و زد و خورد مردم و نیروهای رژیم، آنها را تار و مار کنند و اسلحه هایشان را از آنها بگیرند و رژیم بیافتند، ما میخواهیم یک روز زودتر هم که شده این رژیم بیافتند. منتهی برای یک جنبش اجتماعی جدی و رهبران اجتماعی جدی که در میان مردم وجود

دارند مسئله این است که باید راه درست را رفت و باید شعار درست را انتخاب کرد و باید روشهای درست را انتخاب کرد. ما این حرکات را افشا میکنیم، این دروغها و این ریاکاریها و این خرافه را افشا میکنیم، ... ما میخواهیم در کنار کارگران، زنان، جوانان، معلمان و دیگر اقشار محروم جامعه هم حقوق و مطالبات فوری را از حلقوم این رژیم همین امروز، برای معلم جلو مجلس، برای کارگران در پالایشگاه، برای پرستاران در بیمارستانها، بیرون بکشیم. میخواهیم حجاب اجباری فوری لغو شود، آپارتاید جنسی لغو شود، دست مذهب از زندگی مردم کوتاه شود، زندانیان سیاسی فوراً آزاد گردند. ما میخواهیم با شعار آزادی، برابری به خیابان بیایم.

رادیو پرتو: سوال آخرم را مطرح میکنم. آنطور که من میفهمم شما در حین نگاه به واقعیتها نسبت به این اتفاقی که افتاد هشدار را ترجیح میدهید، درست است؟

مظفر محمدی: بلی درست است. در اینجا واقعیتی وجود دارد. خلیلهها میگویند که مهم نیست هر بابایی چه میگوید، چه میبراند، چه تبلیغی میکنند. مهم نیست. باید به هر فراخوانی لبیک گفت. ما میخواهیم هر چه زودتر حتی یک لحظه زودتر از شر این رژیم خلاص شویم. یک جنبه این واقعیت این است که این سرنوشت مشترک همه ما مردم ایران است. و آن این است که هر چه زودتر حتی یک روز زودتر این رژیم برود و ما نفس راحت و آزادی



بیانیه

تشکیل "سازمان سراسری پناهندگان ایرانی"

خواستار شدند و هشدار دادند که این سیاست خارج از چهارچوب اهداف و اصول سازمانی فدراسیون است.

متأسفانه دبیر فدراسیون و دبیرخانه منتصب دبیر، نه تنها این سیاست را تصحیح نکردند بلکه با تعمیم جدال کاذبی که هرگز در فدراسیون وجود نداشت به تمام فدراسیون و بین پناهندگان، این نهاد را در معرض تلاشی قرار دادند. اعمال فشار به مخالفین برای کناره گیری و خروج از فدراسیون، براه افتاد. از تعدادی از دست اندرکاران خواسته شد که صفوف این نهاد را ترک کنند و مسئولیت های خود را بازپس دهند. پناهندگان وسیعاً مورد فشار قرار گرفتند که در منازعات سیاسی خارج از فدراسیون و در صف بندی کاذبی که توسط رهبری فدراسیون تحمیل شده بود، شرکت کنند.

این فشارها، موجی از اعتراض از جانب مسئولین و پناهندگان را بدنبال داشت و عملاً فدراسیون را در معرض خطر از هم پاشیدگی قرار داد.

ما اعلام میکنیم که در صفوف فدراسیون "چپ" و "راست" وجود نداشته و ندارد. انشقاق فدراسیون به چپ و راست که توسط دبیر فدراسیون و تیم رهبری منتصب او صورت گرفته است، سیاستی خارج از مصوبات و ضوابط و قوانین حاکم بر این نهاد است. استفاده از موضوع پناهندگی برای تسویه حساب سیاسی در بیرون از فدراسیون، فضایی بشدت مسموم و ناسالم برای فعالیت و

فدراسیون داشته باشد، در هیچ سطحی از رهبری این نهاد وجود ندارد.

اعلام دلبخواهی دبیر فدراسیون دال بر جدال چپ و راست در فدراسیون، منتصب کردن انتخاب خود به "چپ" و منتصب کردن تعدادی دیگر از فعالین و مسئولین فدراسیون به "راست"، ریشه در اختلافات سیاسی او با تعداد دیگری از مسئولین فدراسیون در فعالیت های خارج از این نهاد و در جریان مباحث داخلی حزب کمونیست کارگری دارد. کشاندن پای اختلافات سیاسی خارج از فدراسیون به سطح رهبری و بدنه این نهاد، اتحاد و یک پارچگی این نهاد را به مخاطره انداخت.

دبیر فدراسیون که توسط کنفرانس بر مبنای پلاتفرمی در خدمت کار پناهنده انتخاب شده بود از موقعیت خود برای تسویه حساب سیاسی با مخالفین سیاسی خود در خارج از فدراسیون، سوء استفاده کرد. دبیر فدراسیون و تیم رهبری منتصب او پس از کنفرانس، صف فعالین، مسئولین، پناهندگان و دوستداران فدراسیون را بر مبنای موافقت یا مخالفت آنها با این دسته بندی سیاسی خارج از فدراسیون، عملاً دو تکه کردند.

این بلافاصله و پس از کنفرانس توسط تعدادی زیادی از مسئولین، فعالین، اعضا و شمار زیادی از پناهندگان و شرکت کنندگان در کنفرانس دهم فدراسیون، مورد اعتراض قرار گرفت. بسیاری رسماً از دبیر منتخب کنفرانس تصحیح این سیاست را

۲۹ سپتامبر ۲۰۰۴ بدینوسیله ما، جمعی از مسئولین، فعالین و اعضا فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی به دلایلی که در زیر اشاره میکنیم، انشعب خود از فدراسیون و ایجاد "سازمان سراسری پناهندگان ایرانی" را اعلام میکنیم. از نظر ما فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی از مقطع کنفرانس دهم و تحولات بعد از آن در چهارچوب اهداف و اساننامه همبستگی - فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی، حرکت نمی کند.

در این مدت سنتها و شیوه هایی از جانب دبیر فدراسیون و جمع رهبری منتصب وی اجرا شده، که راه ایجاد تغییر سیاسی و تشکیلاتی اصولی و درست را در فدراسیون و در راستای بازگرداندن این نهاد به سنت، تاریخ و مصوبات خود، با موانع جدی روبرو کرده است.

کنفرانس دهم

دبیر فدراسیون با پلانفرم دفاع از پناهندگان انتخاب شد و یک روز پس از انتخاب شدن، اعلام کرد که انتخاب او به معنای "پیروزی چپ بر راست" در این نهاد است. این درحالی است که تا به امروز اعضا، فعالین و مسئولین فدراسیون شاهد هیچ گونه صف بندی و جناح بندی در درون این نهاد نبوده اند. تا به امروز در هیچ نشست، جلسه، و مجمعی در فدراسیون تقابلی بین گروههای مختلف تحت عنوان چپ و راست، وجود نداشته است. هیچ سند، گزارش و بیانیه رسمی که کمترین نشانی از وجود چپ و راست در

است نه میخواهیم شاه را بیاوریم، نه میخواهیم اهورا را بیاوریم و نه هیچکس دیگری را. میخواهیم با شعار آزادی برابری رژیم را بپندازیم و به جای آن و بر ویرانه های آن یک جامعه انسانی و آزاد و برابر سازمان بدهیم. یک جمهوری سوسیالیستی سازمان بدهیم. حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست میخواهد این مبارزه را سازمان بدهد و به جلو برد این شیوه درست و انسانی و راه کم دردسر است. ... ما حکمتیست ها خواهان این هستیم که جنبش سرنگونی جنبشی سازمانیافته، آگاهانه، با سیاست و شعارهای رادیکال و چپ پیش برود و رهبران چپ و رادیکال و کمونیست و سوسیالیست خود را به جلو صحنه بیاورد. ما میخواهیم پرچم این جنبش آزادی و برابری باشد.

بکشیم. اما بپمودن این راه چشمان باز میخواهد. کسی که میخواهد مردم را در انتظار ناجی نگه دارد، به مبارزه مردم خیانت میکند. باور به پروپاگاندایی که این روزها از طریق میدیای راست به خورد مردم داده میشود حتی اگر از جانب عده معدودی هم باشد، ساده انگارانه است. کسی نباید دچار این ساده نگری بشود... راه ما جداست، روش ما جداست، تبلیغات ما جداست، سازماندهی ما جداست، شیوه مبارزه ما جداست، اعتصاب تحصن تظاهرات خیابانی، تظاهراتی که رهبر دارد شعار دارد، آزادی برابری، نه شاه، نه رضا پهلوی... شنیدم رضا پهلوی هم توی همین هیرو ویر خواب نما شده و دیشب پریشب گفته، من اولین نفرم که میروم تهران! شعار مردم آزادی برابری

بقیه از صفحه ۷

رفقا!

این جمع باید مثل آتش بجان جامعه و به جان حزب بیفتد و نیروی محرکه جهش به جلو شود. پلنوم آینده همدیگر را میبینیم با یک طلب کاری بزرگ کادرها از پلنوم و طلب کاری پلنوم از دفتر سیاسی، لیدر و هیات دبیران برای پاسخ گو بودن به وظایفی که در مقابل ما قرار دارد. به انرژی، ابتکار، خوش بینی و خلاقیت همه احتیاج داریم.

نیست. ما بر عکس، به فضای سالم و سیاسی احتیاج داریم. باید از این دنیای نفرتی که آنها آفریده اند عبور کنیم. آن را پشت سر بگذاریم. ما یک دنیا برای فتح در مقابل خود داریم. پلنوم این را تشخیص داد. پلنوم به آینده متوجه بود و به دنیای بزرگ و کار عظیمی که در مقابل ماست چشم دوخت. فضا و موضوعات بحث در این جلسه را با به اصطلاح کنگره آنها مقایسه کنید. متوجه تفاوت ها خواهید شد.

راديو پرتو

پخش اینترنتی برنامه ها

www.hekmatist.com

<p>* ثریا خضری - از فعالین فدراسیون در آلمان</p> <p>اسعد کوشا</p> <p>* عثمان رسولی - از فعالین فدراسیون در ونکور کانادا</p> <p>* احمد مطلق - از فعالین فدراسیون در تورنتو کانادا</p> <p>* محمد یگانه - از فعالین فدراسیون در آلمان</p> <p>* مسعود قهرمانی - از فعالین فدراسیون در آلمان</p> <p>* مریم شهبان - از فعالین فدراسیون در بریتانیا</p> <p>* حبیب عبدالهی - از فعالین فدراسیون در بریتانیا</p> <p>* پرستو مهاجر - از فعالین فدراسیون در سوئد</p> <p>آدرسهای تماس با " سازمان سراسری پناهندگان ایرانی"</p> <p>سعید آرمان - انگلستان Tel No: 077910 89487 Address: BM BOX 2592, London WC1N 3XX UK E-mail : saeed_arman2002@ya hoo.co.uk</p> <p>سعید کرامت از کانادا Tel: 416 694 9695 Email keramat@sympatico.ca</p>	<p>دبیر فدراسیون در بودن شمال سوئد</p> <p>* سام آزاد - مسئول فدراسیون در منطقه میدلند انگلستان</p> <p>* عباس رضایی - مسئول فدراسیون در هند در سال ۲۰۰۱</p> <p>* فرزاد نازاری - مسئول سابق فدراسیون در هلند</p> <p>* اعظم کم گوین - عضو تحریریه همبستگی ماهانه</p> <p>* مهرنوش موسوی - عضو دبیرخانه مرکزی فدراسیون و سردبیر همبستگی هفتگی در سال ۲۰۰۲</p> <p>* یدی کریمی - از مسئولین فدراسیون در مالمو. سوئد</p> <p>* سعید کرامت - فعال فدراسیون در کانادا</p> <p>* کیوان آذری - فعال فدراسیون در بلژیک</p> <p>* امیر کنعانی - عضو و فعال فدراسیون در کانادا</p> <p>* جلال برخوردار - عضو و فعال فدراسیون در کانادا</p> <p>* فهیمه قطبی</p> <p>* حسام منتظری - عضو و فعال فدراسیون در سوئد</p> <p>* اختر اصل فلاح - عضو و فعال فدراسیون در شمال سوئد</p>	<p>که سنت باز، مدرن، و انسانی فدراسیون که همه مردم با اعتقادات مختلف را فرامیخواند که در دفاع از حقوق پناهندگان در این نهاد گردآیند و در مقاطع مهمی از تاریخ خود در برگزیده فعالین سیاسی از جریانات مختلف بود، را احیا کنیم. تلاش کنیم که نیروی هرچه بیشتری از مردم متمدن و انسان دوست را در دفاع از حقوق پناهندگان در " سازمان سراسری پناهندگان ایرانی" متشکل کنیم و به میدان آوریم.</p> <p>به " سازمان سراسری پناهندگان ایرانی" بپیوندید</p> <p>هئیت موسس</p> <p>* ثریا شهبانی - دبیر فدراسیون و سردبیر همبستگی ۱۹۹۹ - ۱۹۹۵</p> <p>* لادن داور - مسئول خزانه داری دبیرخانه فدراسیون در آلمان</p> <p>* سعید آرمان - دبیر فدراسیون در بریتانیا ۲۰۰۳ - ۱۹۹۹</p> <p>* غفار غلام ویسی - دبیر فدراسیون در نروژ</p> <p>* مینو همیلی - دبیر فدراسیون در کانادا</p> <p>* اسماعیل ویسی - دبیر فدراسیون در فنلاند</p> <p>* غفور عباس نژاد - عضو دبیران کشوری،</p>	<p>سازمان پناهندگی، در آن جا و امکان فعالیت وجود دارد. جنبش دفاع از پناهندگان هنوز محتاج صفوف متشکل بیشتری است. با این دید تصمیم گرفتیم که اهداف فدراسیون، سنت و تاریخ آن را با ایجاد نهاد دیگری دنبال کنیم.</p> <p>تاسیس " سازمان سراسری پناهندگان ایرانی" ما با خروج از فدراسیون تشکیل نهاد دیگری در دفاع از پناهندگان را بنام، " سازمان سراسری پناهندگان ایرانی" را تاسیس میکنیم. این نهاد خود را ادامه سنت فدراسیون تا پیش از کنفرانس دهم میداند. برای همان اهدافی مبارزه میکند که فدراسیون برای آن تشکیل شد. مصوبات، سنت و تاریخ فدراسیون تا پیش از کنفرانس دهم را متعلق به خود میداند و در عین حال تلاش میکند که فدراسیونی را که از آن خارج میشود، از بیرون تحت تاثیر بگذارد تا به چهارچوب اهداف و افق و دورنمای فعالیت فدراسیون باز گردد.</p> <p>ما همه پناهندگان و فعالین و اعضا فدراسیون را فرا میخوانیم که به " سازمان سراسری پناهندگان ایرانی" بپیوندند. باید کمک کرد</p>	<p>دفاع از پناهندگان را و برای منتقدین به رهبری فدراسیون، ایجاد کرده است. این سیاست با اهداف، سنت و تاریخ این نهاد مغایر است. کشاندن بيمورد این اختلافات به صفوف فدراسیون، عملاً به فعالیت اساسی این نهاد لطمه زده و مدتی است که فدراسیون مثل گذشته جوابگوی نیازهای پناهندگان و مراجعین نبوده است.</p> <p>راه برون رفت ما در دفاع از دستاوردهای تانکونی فدراسیون و همبستگی، و برای پیش برد هرچه بیشتر امر پناهندگان تلاش کردیم که این رهبری را تصحیح کنیم. این تلاش متأسفانه، از جانب رهبری فدراسیون با سیاست های حذف و تهدید، مواجه شده است. از اینرو ماندن خود در صفوف این نهاد را کاری در خدمت امر دفاع از پناهندگان نمی بینیم. برای دفاع از پناهندگان، و برای حفظ و گسترش سنت و تاریخ سراپا پر افتخار فدراسیون، سنت و تاریخ این نهاد را بیرون از چهارچوب غیر قانونی موجود، ادامه خواهیم داد. معتقدیم که جهان نابرابر و وارونه متأسفانه میدان وسیعی برای دفاع از پناهنده و مردم تحت ستم باز کرده است که برای دهها و دهها نهاد و</p>
--	--	--	--	--

بقیه از صفحه ۳

<p>سیاسی و توده ای و قدرت نظامی حزب ضامن دست بالا پیدا کردن ما و خنثی کردن توطئه و طرحهای احزاب ناسیونالیست علیه ما و مردم است. داشتن سیاستها و تاکتیکهای روشن در این زمینه از اهم کار ماست.</p> <p>- ارائه راه حل مسئله کرد بر اساس برنامه و قطعنامه مصوب دفتر سیاسی وقت حزب کمونیست کارگری.</p>	<p>اجتماعی و عملی بین راست و چپ معنای عملی تری پیدا میکند. احتمال اینکه در مقابل پیشروی حزب کمونیست کارگری راست و احزاب ناسیونالیست دست به اسلحه ببرند، وجود دارد. حزب در کردستان باید با آمادگی سیاسی و عملی و نظامی وارد این پروسه شود. به عنوان جهت گیری اساسی اتکا به جنبش اعتراضی و نیروی مردم، موقعیت حزب به عنوان حزب</p>	<p>اسلامی در سراسر ایران و کردستان را منتفی میکند. همسرنوشتی مبارزاتی کارگران و مردم و جنبش انقلابی را تضمین میکند. تلاش برای دستیابی به چنین موقعیت محکم و قدرتمندی یک محور مهم کار ایندوره است. - با سقوط جمهوری اسلامی، تناسب قوای جدیدی بین جنبشها و احزاب سیاسی در کردستان بوجود می آید. کشمکشهای سیاسی و</p>	<p>را در دستور گذاشت. - عروج حزب در کردستان به عنوان نیروی قدرت و کنترل کننده اوضاع، حزب کمونیست کارگری را برای هدایت انقلاب و جنبش اعتراضی سراسری در موقعیت بسیار مساعدتری قرار میدهد. همگامی و همزمانی پیروزی مردم و ساقط کردن جمهوری اسلامی در کل ایران تضمین شده تر میشود. تفاوت فاز قابل توجه شرایط سقوط جمهوری</p>	<p>میگیریم. حاکمیتی که به اراده مستقیم مردم و حاکمیت شورایی متکی خواهد بود. (سند حاکمیت جداگانه تهیه میشود) - با اعمال قدرت و حاکمیت مستقیم حزب و شوراهای مردم، مفاد برنامه حزب و بیانیه "حقوق جهانشمول" را به عنوان مبنای همه قوانین و مقررات اعلام کرد. اجرای "بیانیه آزادی زن" و "مذهب زدایی" و منشورهای ضروری دیگر</p>
---	--	--	--	--

سخنرانی اختتامیه در پلنوم اول کمیته مرکزی حزب

۲۹ شهریور ۱۳۸۳ - ۱۹ سپتامبر ۲۰۰۴

دنیاوی کار در مقابل ماست!

گورش مدرسی

رفقا،

فکر میکنم که پلنوم اول کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، نشست مهمی بود. به این دلیل که جهت و عزم مهمی را نشان داد. کمیته مرکزی در این پلنوم اعلام کرد که در بنای حزب حکمتیست، احیای پرنسپ ها و سیاست های کمونیسم کارگری که در دوره بعد از منصور حکمت توسط رهبری کنونی حزب کمونیست کارگری زیر پا گذاشته شد، را کافی نمیداند. کمیته مرکزی ما اعلام کرد که ساختن حزبی مبری از غیر اجتماعی گری، مریخی گری، بی مسئولیتی، سکتاریسم و فرقه گرایی که در دو سال گذشته از رهبران جدید حزب کمونیست کارگری به جا گذاشت را کافی نمیداند. چنین سیاستی حزب کمونیست کارگری - حکمتیست را در بهترین حالت به حزبی مانند حزب کمونیست کارگری در مقطع پلنوم ۱۴ آن، یعنی در دوره منصور حکمت، تبدیل میکند. اما در همان پلنوم ۱۴ منصور حکمت، مانند همه پلنوم ها و جلسات قبلی رهبری حزب اعلام کرد که حزب کمونیست کارگری روی خط منصور حکمت نیست و به چپ سنتی و فرقه ای نزدیک تر است تا به یک حزب سیاسی کمونیستی - کارگری. در نتیجه باز گشت به چنین حزبی برای ما کافی

نیست. کمیته مرکزی ما اعلام کرد که میخواهد حزبی را بسازد که منصور حکمت میخواهد. حزبی را بسازد که حزب کمونیست کارگری ایران هیچ وقت نبود. یک حزب سیاسی تمام عیار کمونیستی - کارگری. پلنوم اعلام کرد که به کمتر از این رضایت نمی دهد.

بعلاوه پلنوم تاکید کرد که برای انجام این کار وقت زیادی نیست. ما باید وظیفه ساختن این حزب سیاسی را با وظیفه رساندن موقعیت سیاسی و اجتماعی آن به موقعیت مقطع کنگره سوم، یعنی اکتبر ۲۰۰۰، همراه کنیم. پلنوم شاخص های روشنی برای ارزیابی از درجه پیشرفت حزب در این جهت را نشان داد. مثلا حزب باید در مدت کوتاهی (حدود ۶ ماه) هم در داخل ایران و هم در خارج از ایران چندین برابر (حدود ده برابر) شود. پلنوم تاکید کرد که برای کمونیسم کارگری و برای خط منصور حکمت امروز مقطعی است که باید اهمیت آن را دریافت. گل همینجاست، همین جا باید رقصید. پلنوم اعلام کرد که اگر خط ما میخواهد حرکت کند امروز روز این حرکت است و اگر کسانی هستند که باید این حرکت را بکنند بخش اعظم آنها همینجا نشسته اند. ناجی وجود ندارد، "نه خدا، نه شاه، نه آسمان"! ما کادرهای این حزب هستیم که باید این

حرکت را بوجود آوریم و سازمان دهیم.

این جهت گیری پلنوم افق بسیار وسیع و به همراه آن وظایف بسیار سنگینی را در مقابل ما قرار میدهد. پلنوم از لیدر حزب، از دفتر سیاسی و از هیات دبیرانش چیزی کمتر از این را قبول نخواهد کرد. پلنوم از کادرهای این حزب کاری کمتر از این، کالیبری کوچکتر از این و استانداردی پائین تر از این استاندارد را قبول نخواهد کرد. در پلنوم آینده عملکرد و پیشرفت حزب را با این خط کش اندازه خواهد گرفت. این افق بزرگ، حرکت بزرگ، خلاقیت و نو آوری از ما میطلبد.

این عزم، این نگرش مثبت و این امید را باید به جنبش مان و به تشکیلاتمان منتقل کنیم. بقول مظفر محمدی بحث بر سر یک دریچه امید در جامعه است. به مردم بگوئیم لطمه را باید پشت سر گذاشت. به مردم بگوئیم به ما به پیوندید. یک دنیا امید در مقابل ما قرار دارد. این دنیا و این امید و این امکان را باید به مردم و به طبقه کارگر نشان داد. اگر آمیدی به آینده هست این امید ما هستیم. اگر آمیدی به پیروزی سوسیالیسم هست این امید به پیروزی به ما بسته است.

گفتم که منصور حکمت در کنگره سوم گفت که یک دریچه فرصت برای دخالت کمونیسم کارگری

در سرنوشت مردم بوجود آمده است. این امکان بزرگ نیست و ما بسادگی نمیتوانیم آن را از دست بدهیم. بحران حزب کمونیست کارگری میرفت که این دریچه را تماما به بندد. کاری که ما

کردیم این است که پایمان را لای در گذاشتیم تا لای در را باز نگاه داریم. همین. امروز باید این دریچه را دوباره تماما باز کنیم. این وظیفه ایست که در مقابل ما قرار گرفته است. این کار را باید بدون منصور حکمت و ظرف مدت چند ماه انجام دهیم. این کار عظیمی است. ما باید یک حزب سیاسی بزرگ، مدرن، قرن بیست و یکمی، دخالتگر، اجتماعی قدرتمند را ظرف مدت کوتاهی بسازیم.

این کاری است که در صد سال گذشته از کسی بر نیامده است. این کار عظیمی است، انرژی عظیمی میخواهد. پلنوم اصرار داشت که این پروژه عظیم باید انجام شود.

این بلند پروازی، این روحیه، این عزم و این بی تابی و بی صبری برای انجام کار را باید به تشکیلات و به کادرها منتقل کرد.

علاوه بر این پلنوم بر همسرنوشتی حزب کمونیست کارگری حکمتیست با حزب کمونیست کارگری عراق تاکید کرد. پلنوم تاکید کرد که ما یک جنبش هستیم. مسائل ما مشترک است و دخالت در مسائل حزب ایران و عراق نه تنها حق بلکه وظیفه هر دو طرف است. در جنبش ما پاسپورت و محل تولد کسی را چک نمیکنیم، امتحان زبان

هم از کسی نمیگیریم. یک جنبش واحد هستیم و یک ارتجاع واحد را در مقابل خود داریم. نقطه امید مردم در ایران و یا در عراق این دو حزب است. کار ما تقویت این دو حزب است.

بالاخره، این پلنوم بعد از مدت‌های طولانی یک پلنوم با فضای سالم و سیاسی بود که همه احساس آرامش میکردند. در این پلنوم میشد با خیال راحت هر بحثی را مطرح کرد به هر کس انتقاد کرد و نگران سو استفاده و "عواقب" انتقاد به از "ما بهتران" نبود. نگران جنجال، نگران هوجوی گری و نگران بهانه گیری نبود.

رفقا!

فضای آلوده ای که دو سال گذشته بر ما تحمیل شد تشکیلات و جامعه زخمی را بر جای گذاشته است. اگر حواسمان نباشد، طبیعی است که به تیمار زخم هایمان مشغول شویم؛ به گذشته مشغول شویم. اما باید هوشیار بود. نباید اجازه داد که در مقابله با زخم هائی که خورده ایم و زخم هائی که هنوز و هر روز از جانب رهبری جدید حزب کمونیست کارگری به ما و به جنبش کمونیستی کارگری زده میشود حزب مشغول به گذشته و حزب نفرت از آنها بوجود بیاید. این کاری است که متأسفانه رهبری فرقه ای حزب کمونیست کارگری به آن متوسل شده است. خطی که بر حزب کمونیست کارگری غالب شده تنها در فضای نفرت و ترور شخصیت و شیطان سازی میتواند زندگی و رشد کند. این فضای رشد ما

بقیه در صفحه ۵

اساس سوسیالیسم انسان است

برنامه عمل تشکیلات کردستان

مصوب کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران - حکمیتست

(مراحل و محورهای کار ما)

سپتامبر ۲۰۰۴

مراحل کار ما

۱- مرحله کنونی: تبدیل شدن به حزب قدرتمند و جابجا کننده نیرو در جامعه کمونیسم کارگری و حزب یکی از بازیگران صحنه سیاسی کردستان است. موقعیت اجتماعی و سیاسی قدرتمند حزب در جامعه کردستان انکارناپذیر است. این موقعیت و پتانسیل هنوز به تمامی به توانایی عملی تبدیل نشده است. کل انرژی کمونیسم کارگری و عرصه‌های مبارزاتی حزب را در کردستان باید در نقشه‌ای فوری و هماهنگ به کار گرفت. در این راستا:

الف - محورهای کار

- پرچم سیاسی روشن: نمایندگی کردن "نه" مردم در اعتراضات جاری. بر این اساس بسیج‌گری اجتماعی و توده‌ای حول "سرنگونی جمهوری اسلامی و آزادی و برابری"، "لغو آپارتاید جنسی و آزادی زن"، "دست مذهب از زندگی مردم کوتاه" و دیگر شعارهای کنکرت و بسیج کننده سیاسی و اقتصادی در جنبش اعتراضی کارگری و توده‌ای.

- تامین رهبری جنبش اعتراضی و انقلابی از طریق:

الف- ناظر شدن پلاتفرم و شعارهای ما بر این مبارزات، عروج حزب به عنوان بخش لایتجزای مبارزات اجتماعی و

توده‌ای جاری (جنبش اعتراض عمومی، جنبش زنان، کارگران، جوانان، معلمان).

ب- تامین رهبری سراسری و محلی این مبارزات. به این معنا ۱- عروج رهبران و شخصیت‌های با اتوریته حزب در کردستان به عنوان رهبران درگیر در مبارزات اجتماعی.

۲- ابراز وجود علنی و اجتماعی و با هویت فعالین جنبش کارگری، جنبش زنان، جوانان و معلمان و دیگر جنبش‌های اعتراضی، در دستور قرار دادن کمپینها، نهادهای علنی در شهرها و عرصه‌های مختلف مبارزه. تلاش هدفمند برای رفع موانع سیاسی و اجتماعی و عملی این سیاست. تامین رهبری در همه سطوح محله‌ای، شهری، جنبشی و عرصه‌ای برای مبارزات مردم و کمک به عروج و تامین هژمونی رهبران در محل در سطوح مختلف و تبدیل آنها به رهبران جنبش اعتراضی مردم.

- ساختن حزب در داخل: در این مرحله گسترش شبکه‌های کمونیستی و به هم بافتن محافل و جمع‌های مبارزاتی و کمونیستی دخیل در مبارزات و تحولات جاری موجود در محلات، کارخانه و محیط کار و دانشگاه و مدرسه، در میان جوانان و زنان، و عرصه‌های مختلف بسیار اساسی است. کلید مسئله قرار گرفتن

کادرهای کمونیسم کارگری در راس این شبکه‌ها است. ارتباط محکم ما با این کادرها و هم خط و هم تصویر بودن آنها با سیاست‌های حزب، سازماندهی جمع کادرهایی که به طور طبیعی با هم کار میکنند. این اقدامات میتواند منشاء سروسامان گرفتن حزب پر نفوذ و جابجا کننده نیرو در هر محیطی باشد که این کادرها و این شبکه‌های کمونیستی حضور دارند. ابعاد دیگر سازمانیابی حزبی و ارگانها و نهادهای مناسب دیگر را بنا به تغییر اوضاع و در انطباق با شرایط باید در دستور گذاشت.

- کنترل محلات: خارج کردن نقشه مند محلات مختلف در شهرها از دایره اعمال قوانین و کنترل جمهوری اسلامی از طریق سازمان دادن مبارزه علیه جمهوری اسلامی توسط مردم متشکل و متحد حول شبکه‌های کمونیستی و تغییر تناسب قوا در شهرها مطابق یک برنامه زمان بندی شده و هماهنگ با سایر فعالیت های حزب.

- سازماندهی توده‌ای: دامن زدن به جنبش مجمع عمومی محور اصلی کار ما در ایندوره است. ما مبتکر جنبش مجمع عمومی و شورایی خواهیم بود. اما از ایجاد کانونها و نهادها و اتحادیه در رشته‌ها و بخش‌های دیگر که ضرورت داشته باشد، استقبال میکنیم و مبتکر آن خواهیم شد.

- قدرت نظامی: گسترش سریع ظرفیت پتانسیل ابراز وجود نظامی. گسترش سازمان نظامی شهری. بکار گرفتن

امکانات جامعه برای تامین تجهیزات و امکانات آن.

- تداوم پروژه رهبران کمونیست در میان مردم. بکار گرفتن آن به عنوان ابزار تغییر تناسب قوا. گسترش آن به شهرها و مناطق جدید

- به حاشیه راندن افق و سیاست و احزاب ناسیونالیستی در کردستان. خنثی کردن نقشه‌ها و طرحها و بند و بستهای سیاسی ضد مردمی احزاب ناسیونالیست. تعیین فوکوسهای سیاسی معین به منظور منزوی کردن احزاب ناسیونالیست. افشا و رسوا کردن طرح سیاه فدرالیسم و دارندگان آن. تلاش برای انگره کردن مبارزات مردم در کردستان با مبارزات سراسری مردم ایران برای تامین آزادی، برابری، کوتاه کردن دست مذهب از زندگی مردم، آزادی و رهایی زن، جنبش خلاصی فرهنگی و غیره بعنوان یک رکن مبارزه علیه خرافات ناسیونالیستی

- اوضاع فوق العاده: کسب آمادگی برای اوضاع اضطراری و به دست گرفتن ابتکار برچیدن جمهوری اسلامی و کنترل اوضاع.

- مالی: تامین مالی پیشبرد پروژه های ایندوره حزب در کردستان.

ب- اهرمها و ابزارهای کار

- رهبری: علاوه بر نقش رهبری سراسری حزب، ایفای نقش موثر رهبران و شخصیت‌های حزب در کردستان، به عنوان رهبران فرا سازمانی و بقیه در صفحه ۳

مقدمه - اوضاع ایران به شدت متحول است و جدال قدرت در صحنه سیاست ایران و از جمله در کردستان معنای بسیار زمینی به خود گرفته است. سرنگونی رژیم و خارج شدن کنترل اوضاع از دست جمهوری اسلامی، بویژه در کردستان بسیار محتمل است. توانایی کمونیسم کارگری در کردستان یک پایه مهم قدرت حزب کمونیست کارگری ایران - حکمیتست است و میتواند نقش تعیین کننده ای در پیشروی حزب ما برای ایفای نقش در جدال قدرت، رهبری انقلاب پیشرو و به دست گرفتن قدرت در ایران داشته باشد. تشکیلات کردستان همان هدفی را تعقیب میکند که حزب در سراسر ایران برای تحقق آن میکوشد. در عین حال با چشمان باز اوضاع متفاوت در کردستان را تعقیب میکنند. حزب در کردستان از موقعیت قوی و مساعد برای تاثیر گذاری اساسی بر روند اوضاع، هدایت مبارزات مردم و به دست گرفتن ابتکار برچیدن جمهوری اسلامی و کنترل اوضاع برخوردار است. در راستای جوابگویی به مسائل دوره کنونی نقشه مرحله بندی شده زیر، با تعیین محورها و اولویتهای هر دوره ارائه میشود.

مرگ بر جمهوری اسلامی - زنده باد جمهوری سوسیالیستی!